



فرهنگ فشرده علوم کتابداری و اطلاع رسانی

○ مهدی افشار

راست می‌نویسد نه بالعکس و این شیوه ضبط مدخل‌های انگلیسی در فرهنگ فشرده علوم کتابداری موجب سرگشتگی همه کسانی می‌شود که با فرهنگ‌های دوزبانه سر و کار مستمر دارند.

۲. به تبع همین‌گونه صفحه‌آرایی، نمایه‌الفبایی انگلیسی به شیوه‌نمایه‌های فارسی از راست به چپ آغاز شده نه از چپ به راست و جالب‌تر این که نمایه‌الفبایی فارسی به انتهای کتاب یا سمت چپ کتاب منتقل شده و مراجعه‌کننده برای بازیابی معادل انگلیسی یک واژه به زبان فارسی باید از بخش پایانی شروع به ورق زدن کتاب بکند تا بتواند واژه موردنظر خود را بیابد.

حال آن که نمایه‌الفبای فارسی می‌توانست آن‌گونه که متعارف است سمت راست کتاب قرار گیرد و نمایه انگلیسی در سمت چپ کتاب و این شیوه‌ای بسیار معقول‌تر برای بازیابی سرشناسه‌هاست.

۳. از یک فرهنگ دوزبانه انتظار آن است که مترجم دیباچه‌ای را که مؤلف تدوین کرده عیناً در صفحه آغازین سمت چپ قرار دهد و اگر ضرورت ترجمه آن را احساس می‌کند، متن ترجمه شده دیباچه را در سمت راست کتاب قرار دهد.

۴. از یک فرهنگ دوزبانه که زبان مبدأ آن انگلیسی است انتظار است در پشت صفحه عنوان انگلیسی صفحه حقوق و مشخصات کتاب به انگلیسی ضبط شده باشد، لکن متأسفانه این بخش به تبلیغات ناشر اختصاص یافته است.

۵. از یک فرهنگ اعم از دوزبانه یا یک‌زبانه انتظار است که در هر صفحه یا در هر دو صفحه رو به روی هم، طیف واژگانی آن دو صفحه در بخش عنوان جاری نمایش داده شود. بدین معنا که اولین و

فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع رسانی / نوشته استلا کنین؛ ترجمه و تدوین فاطمه اسدی گرگانی؛ مقابله و ویرایش عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸.

در مقام کسی که درس کتابداری خوانده و به عنوان کسی که شیفته واژه‌نامه‌هاست و خلأ ناشی از کمبود واژه‌نامه‌های عمومی و تخصصی را قویاً حس می‌کند، برخورد با فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع رسانی شوقی در قلبم جاری کرد و این شوق زمانی اوج گرفت که نام جناب آقای عبدالحسین آذرنگ را که بی‌مجامله یکی از صاحب‌نظران در امر اطلاع رسانی است نه بر تارک که بر فرود جلد و در ذیل صفحه عنوان فرهنگ مشاهده کردم، و با این امید، واژه‌نامه یا به قول خانم اسدی، فرهنگ را گشودم که می‌دانستم مرجعی پیش روی خواهم داشت که پژوهندگان و کتابداران و بالاخص مترجمان را دست‌افزاری مطمئن خواهد بود که آنان را در خدمات فرهنگی‌شان سخت به کار خواهد آمد و رافع بسیاری از مشکلات آنان در فهم مطالب این حوزه از علوم اطلاع رسانی خواهد بود.

اما کتاب را که به دست گرفتم پس از تورقی و سپس تأملی همه آن امیدها میدل به یأس شد چرا که در همان نگاه اول و بعدتر در نگاه عمیق‌تر آن چه می‌جستم و بدان دل خوش داشتم بودم، بازیافتیم و چرا:

۱. واژه‌نامه فشرده درواقع یک واژه‌نامه دوزبانه است که اتفاقاً زبان مبدأ آن انگلیسی و زبان مقصد آن فارسی است و همه کتابداران و همه واژه‌شناسان می‌دانند که واژه‌نامه‌ای که زبان مبدأ آن انگلیسی یا از خانواده زبان لاتینی است باید از سمت چپ آغاز شود نه از راست، چرا که حروف لاتین را از چپ به





آخرین ماده لغت در بالای صفحه در جای گاه عنوان جاری نمایش داده شود تا مراجعه‌کنندگان بدانند در این دو صفحه چه طیفی از واژگان آورده شده است.

۶. برای رهایی از چنگال این ازدگی شکلی به سراغ پیش‌گفتار پدیدآورنده رفته‌ام تا شاید دلایل این شیوه صفحه‌آرایی را بازایم و از طریق این پیشگفتار دریابم که کتاب در شش بخش تنظیم شده (پاراگراف سوم صفحه شمار حرف «ب») و وقتی به سراغ دیباچه مولف رفته‌ام بر حیرت افزوده شده، چرا که دانستم مؤلف، کتاب را در هفت زمینه موضوعی یا هفت بخش منظم کرده‌اند (پاراگراف آخر صفحه شمار «ج»).

بخش‌های کتاب را که از نظر گذراندم متوجه شدم کتاب در شش بخش تنظیم شده و مانده‌ام که کدامیک درست است «شش بخش» یا «هفت بخش؟» شش بخش از کتاب ترجمه شده و یک بخش آن حذف شده، چرا مترجم یا تدوین‌کننده محترم به آن اشاره‌ای ندارند و اصولاً چرا آن بخش حذف شده و دلایل حذف آن چه بوده و عنوان بخش حذف شده چه بوده. حق آن است که مترجم در پیش‌گفتار خود به این نکات اشاره می‌کردند و مراجعه‌کنندگان را از سردرگمی بیرون می‌آوردند.

۷. متأسفانه ترجمه دیباچه بسیار نامفهوم است به این جمله توجه کنید:

«کاربرد روزافزون رایانه، جرقه تحولات گسترده‌ای را برافروخت، تحول از کار با واژگان را گرفته، مانند نمایه درون‌بافتی (کوویک)، آزمون‌هایی در زمینه چکیده‌نویسی و نمایه‌سازی خودکار، چه در این یا آن سوی اقیانوس اطلس، تا مطالعاتی در الگوهای ادبی که بررسی‌های کمی و کیفی و استنادی و استشهدادی را دربر می‌گیرد».

نمی‌دانم به راستی برای این قلم قابل فهم

نیست یا برای دیگران نیز فهم آن دیرپاب است. تا داوری دیگران چه باشد.

دیگر توضیحات این دیباچه نیز به همین ترتیب چندان رسا و قابل فهم نیست.

۸. حال به «سراغ بدنه واژه‌نامه یعنی واژه‌ها و تعاریف آن‌ها می‌رویم تا گلگستی در واژه‌ها و تعاریف آن‌ها بزینیم.

نگاهم متوجه کلمه archive شد که سرشناسه قرار گرفته و در تعریف این واژه با واژه‌ای تازه مواجه شدم که بر حیرتم افزوده شد. واژه «سپردنگاه». این قلم واژه‌سازی را خوش می‌دارد، لکن برای واژگانی که معادل‌های مناسب در زبان فارسی نداشته باشیم. واژه آرشیو در بیش‌تر موارد «بایگانی» ترجمه شده است.

بایگانی واژه‌ای است فارسی و کاملاً پاک و ناب. بایگانی که صورت دیگری از پانگانی به معنای نگهبانی و نگاهداری است. چنان که واژه آذربایجان به معنای نگاهبان آتش و پاتگان یا پادگان صورت دیگری از این واژه است.

۹. واژه assertiveness همان‌طور که از ساختارش برمی‌آید، واژه‌ای اسمی است لکن معادلی که پدیدآورندگان یا مترجمان برای آن در نظر گرفته‌اند «رفتار پذیرا» است که از نظر دستوری صفت مشبه است و جالب این‌جاست که تعریفی که برای این واژه داده شده، همان رفتارپذیری است.

۱۰. برای واژه addendum معادل‌های «افزوده، ضمیمه، پیوست» پیشنهاد شده و تعریف آن چنین است: «مطلب کوتاهی که به پایان مدرک افزوده شود.» و برای appendix معادل‌های «پیوست، ضمیمه، ملحق» تعیین شده و تعریفی که داده شده «مطلبی جداگانه که برای پشتیبانی اثر اصلی بدان ضمیمه شود.» حال آن که هر دو معادل

به یک معنا و مترادف یکدیگرند تفاوت معنایی و کاربردی بین آن‌ها وجود ندارد و هر دو در واقع متمم و مکمل متن هستند.

۱۱. anthology را «گلچین، جنگ، منتخب، گزیده، به‌گزین» معادل قرار داده‌اند که بسیار خوب است، لکن در تعریف گفته‌اند «مجموعه‌ای برگزیده از شعر یا مقاله از شماری پدیدآورنده.» که این چنین نیست، اگر گلچینی از اشعار اخوان ثالث توسط فردی گردآوری شود نیز anthology خوانده می‌شود و ضرورتاً نباید از شماری پدیدآورنده باشد از یک پدیدآورنده نیز ممکن است.

۱۲. برای اصطلاح Linguistic analysis «تحلیل زبان» را معادل آورده‌اند حال آن که «تحلیل زبان‌شناسانه» معنا می‌دهد.

۱۳. هیچ نیازی نیست که حروف آغازین واژگان و ماده لغت‌های انگلیسی، کاپیتال باشد. در کدام فرهنگ عمومی یا موضوعی مشاهده شده که حروف آغازین ماده لغتی کاپیتال است.

۱۴. برای اصطلاح Acid-free Paper معادل اسیدزده تعیین شده، حال آن که همان‌طور که از صورت کلامی آن برمی‌آید کاغذ اسید زوده است. بدون تردید با تأمل و دقت بیشتر در بخش واژگان و معادل‌های آنها موارد دیگری یافت خواهد شد که نیاز به اصلاح دارد، با این همه راقم بر این باور است که اگر تدوین‌کننده محترم فرهنگ، اصلاحات شکلی و صوری لازم را در فرهنگ پدید آورد و در اصطلاحات نیز بازنگری کند و معادل‌های زودپای تری برای آن‌ها تعیین کند، بی‌گمان فرهنگی قابل استفاده برای محققان در موضوعات شش‌گانه خواهد شد.